

جایگاه نفت در برنامه ششم توسعه

علی اشرف هواسی

دکترای علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

نام نویسنده مسئول:

علی اشرف هواسی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸

چکیده

مقاله حاضر سعی دارد به بررسی جایگاه نفت در برنامه ششم توسعه بپردازد. سوال اصلی این گونه مطرح شده است که تحولات جهانی بازار نفت چه تأثیری بر اصلاح ساختار اداری ایران در برنامه ششم توسعه داشته است؟ در پاسخ این فرضیه مطرح شده است که تحولات جهانی بازار نفت باعث کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در برنامه‌های ششم توسعه شده است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های اقتصادی کشور، حوزه نفت است. همین موضوع نیز سبب شده است تا این حوزه جایگاه شاخصی در قوانین بالادستی برنامه ششم توسعه داشته باشد به گونه‌ای که مواد ۱۱ تا ۱۸ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و مواد ۴، ۸ و ۱۳ تا ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به حوزه انرژی اختصاص پیدا کرده است. در برنامه ششم توسعه، هدف اصلی دست اندرکاران اجرایی حوزه نفت، تلاش برای کاهش وابستگی به نفت و درآمدهای نفتی است. در راستای حرکت به سوی این مهم، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه در حوزه صنعت نفت را می‌توان در موارد زیر برشمرد: الف) تدوین سیاست‌های کلی نظام به صورت شفاف، صریح و قاعده‌مند که تبیین‌کننده چارچوب‌های حرکت بخش‌های مختلف اقتصاد باشد ب) نظارت بر تصویب قوانین و مقررات منطبق با سیاست‌ها ج) مقابله با رویکردهای سلیقه‌ای مغایر سیاست‌های رسمی کشور توسط مسوولان و مجریان دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی.

واژگان کلیدی: نفت، برنامه ششم توسعه، اقتصاد.

مقدمه

همواره بخش نفت در اقتصاد کشور، نقش مسلط را ایفا کرده و شواهد بیانگر آن است که در آینده قابل پیش بینی نیز، این بخش هم چنان به تسلط خود در عملکرد اقتصاد کشور ادامه دهد. ارزیابی نقش بخش نفت در اقتصاد ایران، از طریق سهم آن در تولید ناخالص داخلی (به طور متوسط در حدود ۱۶ درصد، طی ۲۰ سال گذشته)، می تواند منجر به ایجاد خطای ذهنی در جهت کوچک نمایی باشد. مهمترین نقش بخش نفت، تامین بیش از ۸۵ درصد از درآمدهای ارزی کشور و در نتیجه اتکای انکار ناپذیر بخش های مختلف اقتصادی برای تامین نیازهای وارداتی خود به درآمدهای حاصل از صادرات نفت از یک سو و تامین حدود ۹۸ درصد از انرژی مورد نیاز کشور از سوی دیگر است. ضعف بخش نفت در هر یک از عرصه های صدور به بازارهای جهانی یا عرضه داخلی انرژی به طور مستقیم تحرک اقتصادی کشور را تحت تاثیر خود قرار می دهد و در نتیجه رونق و رکود اقتصاد کشور به میزان قابل توجهی تابع عملکرد این بخش است. نقش دیگر و مهم بخش نفت در مقیاس اقتصاد کلان کشور، تاثیر تعیین کننده آن بر توازن بودجه عمومی است.

نفت را می توان استراتژیک ترین کالا در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشور دانست. با توجه به جایگاه حیاتی صنعت نفت در کشور و به منظور استفاده از این ثروت برای بهبود شرایط زندگی آحاد مردم (با در نظر گرفتن منافع و مصالح نسل های آینده)، لازم است برنامه ریزی هوشمندانه صورت گیرد. در پنج برنامه قبلی توسعه و طی ۲۵ سال برنامه هایی برای این صنعت تدوین شده ولی تحت تاثیر شرایط یا به دلیل غیرواقعیانه بودن اهداف و تناسب نداشتن آنها با ظرفیت های موجود یا عدم تامین ابزارهای لازم، بسیاری از این برنامه ها تحقق نیافته است.

مطابق پیش بینی کارشناسان اقتصادی جهان، روند نزولی کنونی قیمت های نفت تا سال آینده به صورت پیوسته ادامه خواهد یافت. کاهش شدید قیمت نفت که از تابستان ۲۰۱۴ آغاز شده، نشان دهنده تغییرات ساختاری مهم بازار جهانی نفت است. در راستای این تغییرات، میزان عرضه نفت نسبت به تقاضای آن به سرعت در حال افزایش است. این در حالی است که میزان تقاضای جهانی نفت در فصل دوم و سوم سال ۲۰۱۴ به ترتیب ۹۱/۵ و ۹۳/۱ میلیون بشکه در روز بوده است. در شرایطی که نفت از ماه ژوئن تا کنون در حدود ۴۰٪ ارزش خود را از دست داده است، تمام فعالان بازار و کارشناسان معتقدند که دوران تازه های در بازار نفت شروع شده است.

نوسانات زیادی نیز در اقتصاد ایران به ویژه در سالهای اخیر دیده میشود. متغیرهای اصلی تاثیرگذار بر اقتصاد کشور دستخوش تغییرات عمده های شده و نقش مهمی در نوسانات اخیر اقتصاد کشور داشته اند. از جمله مهمترین متغیرها می توان به تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ ارز، رابطه درآمد دولت با درآمد نفتی و نیز رابطه ارز نفتی با واردات خارجی کشور اشاره کرد. اکنون که قیمت نفت ایران از ۱۰۱ دلار تابستان سال ۹۳ به مرز کمتر از ۴۰ دلار رسیده و این سیر نزولی همچنان ادامه دارد، دولت با توجه به این روند کاهشی قیمت نفت باید بودجه سال آینده را برخلاف سال های گذشته با نگاه بسیار محتاطانه تدوین نماید و کف قیمت ها را با توجه به شرایط کنونی کل بازار جهانی نفت و روند کند رشد اقتصادی در نظر بگیرد. جهت کنترل نوسانات اقتصادی و رسیدن به وضعیت ثبات و پایداری، یکی از بهترین راهکارها در حال حاضر میتواند بهره گیری از راه حل های اقتصاد مقاومتی باشد. با توجه به اینکه دوره برنامه پنجم توسعه در سال ۹۴ به اتمام خواهد رسید و در آستانه تدوین برنامه ششم توسعه ۱۳۹۵ هستیم، بر آن شدیم تا پس از تحلیل نوسانات متغیرهای اصلی - اقتصادی کشور برای سال های ۹۹ اقتصاد کشور در سالهای اخیر و سپس پیش بینی اوضاع اقتصاد ایران بر اساس چشم اندازهای جهانی اقتصاد خصوصاً در حوزه نفت و گاز تا سال ۲۰۴۰، راهکارها و سیاست های مناسبی را بر اساس خط مشی های اقتصاد مقاومتی برای برنامه ششم توسعه را در این پژوهش مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم.

جایگاه نفت در برنامه های توسعه در بعد از انقلاب اسلامی**نفت در برنامه های توسعه اول**

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، سازمان برنامه و بودجه در اوج توان کارشناسی و تجارب برنامه ریزی جامع ملی و منطقه ای بود. در آن مقطع حساس تاریخی، از مدیران انقلابی و شیفته توسعه، انتظار می رفت تا با دمیدن روحیه انقلابی، از ظرفیت های

کارشناسی و تخصصی آماده به خدمت نهایت بهره‌گیری در برنامه‌سازی توسعه، صورت گیرد تا با زمینه مناسب مردمی، عزم و وحدت ملی، توسعه گسترده اقتصادی و اجتماعی در کشور با شتاب مطلوب تحقق یابد. اقتصاد آزاد رقابتی رونق گرفته و برنامه‌ریزی ارشادی و هدایتی، جایگزین برنامه‌ریزی دستوری (قانونی، الزامی) شده و برای هدایت اقتصاد و سرمایه‌گذاری‌های ملی از محل درآمدهای نفت و گاز، برنامه‌های مناسب تهیه شود.

با پیروزی انقلاب، شور انقلابی و گرمای توسعه سبب شد تا صدها پیشنهاد و طرح از سراسر کشور و از سوی ایرانیان خارج از کشور به سازمان برنامه سرازیر شود. کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، برنامه‌های تازه متناسب با تحولات و نیازهای روز کشور تهیه و در اردیبهشت ۱۳۵۸، با نام مبرم‌ترین مسائل کشور تسلیم مقامات کردند. در اقدام بعدی، مجموعه‌ای شامل تحلیل وضع گذشته و موجود کشور و پیشنهادهای کارشناسی از جمله هشدار درباره اجتناب از امحای بخش خصوصی به سمینار نخست وزیری روزهای ۲۵ تا ۳۰ شهریور ۱۳۵۸ تسلیم شد. سپس در گزارش تشریحی و تحلیلی آبان ۱۳۵۸ با فرنام آیین نامه شوراهای برنامه‌ریزی با تعریفی از حوزه مشارکت مردم و بخش‌های غیردولتی، به وجود تعارضات و تضادهای گوناگون گروه‌های صاحب قدرت در کنار دولت موقت اشاره شد. فضای نظم‌ناپذیر و غیرقانون‌مند کشور، سبب شد تا کوشش‌های بی‌شمار کارشناسان و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی در سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ به جایی نرسید.

سرانجام برنامه ۵ساله برای دوره ۱۳۶۶ - ۱۳۶۲ تهیه و در شهریور ۱۳۶۱ به تصویب شورای اقتصاد و در تیرماه ۱۳۶۲ به تصویب هیأت دولت رسید، اما هرگز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسید. در اقدام بعدی، سازمان برنامه و بودجه، هدف‌های کمی و سیاست‌های کلی توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی بیست ساله جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۱-۱۳۶۱) را براساس رهنمودهای شورای اقتصاد تدارک و در خرداد ۱۳۶۱، در شورای اقتصاد مطرح کرد. در واقع اهداف کلی چشم‌انداز درازمدت جمهوری اسلامی در یک برنامه به شکل مثلثی دیده شد. «مثلث بالندگی اقتصادی، استقلال اقتصادی و عدالت اجتماعی». این برنامه هم بعد از بازنگری سرانجامی نیافت و در اواخر این دوران چون شورای نگهبان عنوان وزیر مشاور را برای رئیس سازمان برنامه و بودجه قانونی ندانست، سازمان برنامه به وزارت برنامه و بودجه تبدیل شد. در پی رایزنی‌ها و فعالیت‌های کارشناسان، بحث‌های مفصلی در دی‌ماه ۱۳۶۲ در سازمان برنامه و بودجه در جهت طراحی روش مناسب‌تری برای تهیه و اصلاح برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور انجام و ستاد برنامه‌ریزی در دی‌ماه ۱۳۶۲ تشکیل و مبانی اصلاح برنامه پنج سال اول مورد بحث و بررسی قرار گرفت. پس از کوشش‌ها و تشکیل نشست‌های پی در پی، طولانی و انجام بحث و تبادل نظرهای مفصل پیرامون الگوی استراتژی توسعه، جهات اساسی طرحی با فرنام طرح قانونی اهداف و استراتژی‌های توسعه در جمهوری اسلامی ایران تنظیم و در ۹ دی ماه ۱۳۶۳ به کمیسیون مجلس تسلیم شد. ولی مشکلات و مسائل متنوع بعد از انقلاب و شروع جنگ تحمیلی عراق، سبب شد تا شرایط لازم برای توجه به برنامه‌ریزی و ادامه فعالیت‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی فراهم نشود. در نتیجه برنامه‌ریزی توسعه تا پایان جنگ تحمیلی اجباراً به تعویق افتاد. سرانجام اولین برنامه پنج ساله (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸)، در آبان ۱۳۶۷ با فرنام برنامه کلان توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از سوی دفتر اقتصاد کلان معاونت امور اقتصادی وزارت برنامه و بودجه در پنج فصل تهیه و به شورای اقتصاد پیشنهاد شد و نهایتاً سند برنامه اول توسعه در اواخر سال ۱۳۶۸ به تصویب مجلس رسید. (مناجاتی ۱۳۸۸، ۵۲).

علی‌رغم سپری‌شدن بیشتر سال، همان سال ۱۳۶۸ به عنوان سال اول برنامه منظور شد. سرانجام پس از ده سال چالش و جنگ و گریز بین موافقان و مخالفان برنامه‌ریزی، به ویژه بعد از سپری‌شدن دوران ۸ ساله جنگ تحمیلی، مباحث تعدیل اقتصادی و خصوصی‌سازی مطرح شدند. دولت با هدف بازسازی اقتصادی پس از جنگ به طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه مبادرت ورزید. برنامه اول توسعه (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸)، پس از تصویب به اجرا گذاشته شد. برنامه اول با اصول آزادی اقتصادی شروع شد، اما رویارویی بعدی با دشواری‌های اقتصادی، تنگناهای ارزی و تورم، سبب شد تا دولت از ادامه سیاست تعدیل منصرف شود. رشد اقتصادی در سه سال اول برنامه ۵/۵، ۱۳/۶ و ۱۲/۵ درصد بود، ولی در دو سال آخر برنامه به ۴/۷ و ۱/۸ درصد سقوط کرد. اما میانگین رشد اقتصادی برنامه به ۷/۴ درصد رسید. در برنامه اول انحرافات جدی و تعیین‌کننده‌ای در عمل به وجود آمد و بخشی از برنامه به کنار گذاشته شد. با این که در برنامه اول تحقق درآمدهای دولت بیش از صد در صد بود، ولی در اجرا، دستیابی به اهداف برنامه حاصل نشد. بخش صنعت و معدن به نتایج پیش بینی شده نرسید، ولی صادرات بخش کشاورزی از میزان پیش‌بینی شده بیشتر

شد. بر پایه برنامه تعدیل اقتصادی که از اهداف برنامه استنباط می‌شد، انتظار می‌رفت که دولت کارآمدتر و کوچک‌تر شود، اما نه تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه دولت روز به روز فربه‌تر و ناکارآمدتر و پرهزینه‌تر شد.

از سوی دیگر، تولید نفت خام پس از پیروزی انقلاب اسلامی به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کرد و متعاقب آن سرمایه‌گذاری در اکتشاف نیز به سطح بسیار نازلی تقلیل یافت. سهم جمهوری اسلامی ایران از اوپک به کمتر از یک سوم رقم قبل کاهش یافت و در مقابل، کشورهایی مانند عربستان توانستند به راحتی سهم خود را با یک جهش، به بیش از یک ونیم برابر رقم قبلی افزایش دهند و درآمدهای سرشار ارزی را که هم ناشی از افزایش یکباره قیمت و هم افزایش بی‌دردسر تولید بود، نصیب کشورشان کنند. تداوم عدم سرمایه‌گذاری در بخش نفت و نداشتن تعامل با دنیای خارج، به دلیل شبیه پیگیری اهداف استعماری از یک سو و رشد سریع فناوری و دانش مدیریت در کشورهای صنعتی از سوی دیگر، باعث شد تا فاصله تکنولوژیک کشور ایران با جهان، روزبه روز عمیق‌تر شود. مجموعه این عوامل باعث شد تا نفت و گاز در سیاست‌های توسعه نقش چندانی نداشته باشد و اهداف دولتمردان محقق نشود.

نفت در برنامه‌های توسعه دوم

برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴ - ۱۳۷۸) از نظر ساختار و ماهیت چندان با برنامه اول تفاوت نداشت. این برنامه هم مبتنی بر آزادی اقتصادی و خصوصی‌سازی بود. رشد اقتصادی یا اصلی‌ترین هدف برنامه، ۵/۱ درصد پیش‌بینی شده بود که در عمل به ۳/۲ درصد رسید. در مجموع و به رغم کوشش‌های به عمل آمده، برنامه دوم به علل مختلف از جمله ناکارآمدی دولت، در دستیابی به اهداف برنامه موفق نشد. همچنین این برنامه نگاهی داشت به بخش کشاورزی، صنعت و معدن و گردشگری تا از میزان اتکال به نفت و حامل‌های انرژی بکاهد که البته نتوانست به مقصود برسد. در این دوران، میزان وابستگی به نفت در برنامه‌های توسعه، نسبت به دوره قبل، افزایش محسوسی داشت. (احمدی ۱۳۸۹، ۸۴).

نفت در برنامه‌های توسعه سوم

برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی (۱۳۸۳ - ۱۳۷۹) علی‌رغم خوش‌بینی اصولی و منطقی که در مفروضات نظری و آرمانی گزارش نظام برنامه‌ریزی برنامه سوم مصوب ۲۹ شهریور ۱۳۷۷ هیأت وزیران بود، نتوانست مانند دو برنامه پیشین به اهداف برنامه نایل شود. متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی در برنامه سوم ۵/۴ درصد بوده که از پیش‌بینی برنامه ۰/۶ درصد کمتر شد. در سال ۱۳۸۱، نرخ رشد ۴/۷ و در سال ۱۳۸۲، برابر ۶/۷ درصد بوده که در سال‌های گذشته سابقه نداشته است. متوسط عملکرد نرخ تورم به حدود ۱۴/۱ درصد کمتر از هدف برنامه (۱۵/۹ درصد) رسید. نرخ رشد جمعیت در سطح ۱/۶ درصد تثبیت شد.

این برنامه حاصل ۷۳ هزار و ۷۹۹ ساعت کار به همراه ۱۵۶۱ جلسه بوده است که تلاشی در خور تقدیر است. اصل برنامه ریزی اقتصادی و به ویژه برنامه ریزی چند ساله، حرکتی قابل توجه است و اگر لوازم موفقیت کافی داشته باشد، یک قدم به پیش محسوب می‌گردد. در نگاه اول به برنامه عناصر مثبت و با اهمیت در قالب نظری آن مشهود است. زیرا اولاً در آن قول نهادینه شدن اقتصاد کشور داده شده است. در ثانی سخن از طرح آمایش معقول و فراگیر در آن رفته است. شعار خروج از اقتصاد تک محصولی، عنصر با ارزش دیگر برنامه است. حرکت به سوی حذف سوبسیدها و کوچک شدن حجم دولت از ره آوردهای نظری برنامه است. کارآمد ساختن پرسنل بخش عمومی، تلاش برای حضور بیشتر شهروندان در تصمیم‌گیری اقتصادی، گسترش رقابت، توجه به آزادیهای قانونی، ترسیم چارچوب تثبیت اقتصادی در بلندمدت از دیگر عناصر خوشایند تئوریک برنامه یاد شده می‌باشد. به علاوه توجه به قطع اتکاء صادرات به نفت خام، اصلاح ساختار تامین اجتماعی، حل بیکاری و تورم پایین نیز از محسنات این برنامه بشمار می‌آید. به گفته مسئولان، برنامه سوم توسعه به گونه‌ای طراحی و تدوین شده است که عمده ترین ضرورتها و نیازهای جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد. (مناجاتی ۱۳۸۸، ۵۶).

مواعی جدی بر سر تحقق اهداف برنامه سوم ایجاد می‌نمایند، امور دیگری نیز حداقل نقش پشتیبان‌های در موضوع یاد شده خواهند داشت که به طور فهرست وار نمونه‌هایی از آنها را مورد اشاره قرار می‌دهیم. وجود طرحهای نیمه تمام از دوره‌های قبلی، نوسانی بودن قیمت نفت و ادامه وابستگی بخش اصلی درآمد دولت به آن، وجود دشواریهای زیربنایی، به ویژه در حمل و نقل و

ارتباطات و عدم کفایت سیستم جاده‌ای کشور جهت پاسخگویی به حجم عظیم فعالیت‌های پیش بینی شده در برنامه سوم، بخشی از این نمونه‌ها می‌باشند. فقدان آمار کافی و اطلاعات لازم برای یک جهش گسترده (مورد نظر برنامه سوم)، حاکمیت اندیشه دلالتی و رانت جویی بر بنگاه‌های دولتی و خصوصی، کاهش شدید زمین‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعتی و کشاورزی، مسائل حل نشده در ارتباط با سرمایه‌گذاری خارجی (به ویژه در بخش نفت و گاز)، مصرف بی‌رویه فرآورده‌های نفتی در کشور، ادامه وسیع فعالیت‌های غیرقانونی و قاچاق (که حدود ۵۰ درصد از کل فعالیت‌های غیرقانونی کشور را تشکیل می‌دهد)، و بعضاً وجود رشوه خواری و رابطه‌گرایی (به جای حاکمیت ضوابط و مقررات)، دشواری‌های مربوط به استاندارد کالاها و نداشتن شرایط حداقل قانونی، عدم استفاده از ظرفیت مطلوب اقتصادی از دیگر مشکلات می‌باشد.

نفت در برنامه‌های توسعه چهارم

برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) در شرایطی تهیه شد که کشور درگیر چالش‌های ژرف درونی و بیرونی فراوانی بود. ژرفای دشواری‌های اقتصادی و اجتماعی به گونه‌ای بود که نه فقط مخالفان برنامه‌ریزی به هواداران برنامه‌ریزی توسعه پیوستند، بلکه جملگی بر آن شدند که فقط برنامه‌ریزی میان‌مدت ۵ ساله کافی نیست و در پی برنامه‌ریزی بلندمدت ۲۰ ساله و طرح‌ریزی استراتژی توسعه برآمدند.

وضعیت موجود بخش در رابطه با مضامین دوازده‌گانه برنامه چهارم توسعه و چشم‌انداز

- بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی
- استفاده از سرمایه‌های خارجی در توسعه میادین نفت و گاز با استفاده از روش‌های مختلف مانند بیع متقابل
- استفاده از فناوری‌های جدید و انتقال تکنولوژی در امر اکتشاف و تولید نفت و گاز
- تعامل فعال با اقتصاد جهانی
- ارتقای جایگاه ایران در بازارهای بین‌المللی و توسعه صادرات نفت خام و گاز طبیعی
- ایجاد زمینه‌های مساعد برای معاوضه نفت خام (سوآپ) به منظور انتقال نفت و گاز کشورهای آسیای میانه
- امکان ترانزیت نفت خام و فرآورده‌های آن در کشور با بهره‌برداری از شبکه‌های انتقال نفت و گاز
- افزایش حضور شرکت‌های بخش انرژی کشور در مناقصه‌های بین‌المللی
- رقابت‌پذیری اقتصاد
- ایجاد رقابت در اجرای پروژه‌های نفت و گاز به واسطه افزایش تعداد شرکت‌های مهندسی مشاور و پیمانکار
- حفظ محیط زیست
- توجه به ملاحظات زیست محیطی در مصرف انرژی و فرآورده‌ها (حذف سرب از بنزین)
- اجرایی شدن عملیات طرح گاز طبیعی (CNG) دوگانه سوز کردن خودروها و توسعه احداث جایگاه‌های عرضه گاز طبیعی
- اجرای سیاست گاز سوز کردن صنایع و نیروگاه‌های کشور با توجه به سهم گاز در سبد کل مصرف انرژی
- ارائه معیارها و مشخصات فنی برای مصرف انرژی در خصوص اعمال صرفه‌جویی، منطقی کردن مصرف انرژی و حفاظت از محیط زیست
- کاهش گوگرد از نفت گاز مورد استفاده در اتوبوس‌های شرکت واحد تهران
- ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی
- اختصاص دو در هزار درآمد ناشی از فروش نفت خام برای عمران و آبادانی مناطق نفت‌خیز
- اخذ ۱/۵ ریال به ازای هر متر مکعب گاز طبیعی مصرفی (به جز مصرف نیروگاه‌ها) برای عمران و آبادانی استان‌های تولیدکننده گاز طبیعی که به علت اجرای قانون تجمیع عوارض متوقف شده است.
- اجرای طرح عمران جزایر و مناطق نفتی در جنوب کشور
- توسعه گاز رسانی به شهرها و روستاها در راستای ارتقاء عدالت اجتماعی

- عدم همسویی با عدالت اجتماعی در اثر برخوردهای بیشتر دهک‌های پردرآمد از یارانه انرژی، به دلیل مصرف
- بیشتر آنها
- نوسازی دولت و ارتقای اثر بخشی حاکمیت
- لزوم ساماندهی شرکت‌های دولتی در بخش نفت
- اهداف کلی و راهبردهای کلان توسعه بخش در تحقق چشم‌انداز بلند مدت توسعه
- اهداف کلی توسعه‌ی بخش نفت و گاز
- افزایش سهم و ارتقاء جایگاه ایران در بازارهای بین‌المللی نفت و گاز و دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه و کشورهای همجوار
- برقراری تعامل سازنده و موثر با سایر کشورها
- تبدیل ثروت‌های طبیعی (مانند نفت و گاز) به دارایی‌های مالی و سرمایه‌های ملی دراز مدت
- برخورداری از دانش پیشرفته با اتکاء بر استفاده از سرمایه‌های ملی در تولید نفت و گاز
- راهبردهای کلان توسعه بخش نفت و گاز
- گسترش اکتشاف نفت و گاز به عنوان پشتوانه تولید نفت و گاز کشور
- کاهش سهم نفت خام در سبد مصرف انرژی کشور در راستای افزایش صادرات
- افزایش سهم بازار با ظرفیت سازی و افزایش توان تولید نفت خام
- جذب فناوری‌های جدید از طریق جذب سرمایه‌های خارجی در بخش نفت و گاز
- اختصاص بخشی از درآمدهای نفتی جهت ایجاد صندوق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به منظور صیانت از دارایی‌های نسل آینده
- افزایش ظرفیت تولید گاز و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی برای توسعه منابع گازی کشور
- تسریع و گسترش مصرف گاز طبیعی به جای فرآورده‌های نفتی در صنایع و حمل و نقل
- ایجاد مخازن زیرزمینی ذخیره گاز طبیعی به منظور تامین مصارف پیک و ملاحظات زیست محیطی
- سرمایه‌گذاری در زنجیره‌های کامل مربوط به صادرات گاز طبیعی در داخل و مبادی مصرف
- ایجاد زمینه‌های مناسب برای بازاریابی و گسترش مبادلات بین‌المللی گاز طبیعی با مشارکت داخلی و خارجی
- بهبود الگوی پالایشی و افزایش تولید اقتصادی فرآورده‌های نفتی با ارزش
- افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی با ارزش
- ارتقاء سطح استانداردهای ملی و نزدیک کردن آن به استانداردهای جهانی در تولید انواع فرآورده‌ها
- جلب سرمایه‌های غیر دولتی برای احداث پالایشگاه با ایجاد بازار مناسب برای فروش فرآورده‌های آنها در داخل و خارج کشور
- کاهش هزینه‌های تولید در بخش نفت و گاز شامل گاز طبیعی، نفت خام و فرآورده‌های نفتی
- هدفمند و عادلانه کردن یارانه‌های انرژی در جهت کاهش مصرف و صرفه‌جویی ملی
- حذف تدریجی یارانه فرآورده‌های نفتی و برقراری عوارض زیست محیطی (مالیات بر کربن) بر مصرف آن
- برقراری قیمت‌های تعادلی از طریق بنیادین بازار فرآورده‌های نفتی به منظور منطقی کردن مصرف
- اصلاح نظام قیمت‌گذاری و پرداخت یارانه در جهت ساماندهی بازار انرژی و بهینه سازی مصرف، تحقق عدالت اجتماعی و افزایش کارایی و بازده اقتصادی بخش انرژی
- متناسب کردن قیمت فرآورده‌های مختلف نفتی نسبت به یکدیگر
- توانمند سازی بخش‌های خصوصی و تعاونی به منظور گسترش رقابت و افزایش سهم آنها در فعالیت‌های بهره‌برداری بخش نفت و گاز
- لغو کلیه امتیازات شرکت‌های دولتی نسبت به شرکت‌های خصوصی و تعاونی در عقد قراردادهای

- کاهش وابستگی صنایع نفت، گاز، پتروشیمی و پلایش و پخش به خارج در زمینه تجهیزات، ماشین آلات و مواد افزودنی و ارتقای سطح خودکفایی ملی با پرهیز از انحصار برای صنایع داخلی
- ارتقاء و انتقال دانش فنی در بخش طراحی و مهندسی
- تامین بهینه انرژی مناطق مختلف کشور با توجه به جایگزینی اقتصادی حامل‌های انرژی، پتانسیل‌های محلی، ظرفیت‌های موجود و سیستم‌های عرضه انرژی

نفت در برنامه‌های توسعه پنجم

تولید نفت باید در پایان برنامه پنجم توسعه (۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴)، به حدود ۵ میلیون و ۱۵۰ هزار بشکه در روز و همچنین ظرفیت پالایشگاهی کشور به ۲/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد. بر اساس پیش‌بینی‌ها، در بخش بالادستی نفت و با توجه به استانداردهای قابل قبول برای سرمایه‌گذاری در خشکی و دریا برای اکتشاف، ظرفیت‌سازی مورد نظر و همچنین جبران افت تولید و افزایش ضریب بازیافت، در برنامه پنجم توسعه، بخش بالادستی به بیش از ۵۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد که در صورت تحقق آن، می‌توان به دستیابی به اهداف برنامه امیدوار بود (حسینی، ۱۳۹۰، ۴۱).

ظرفیت تولید گاز کشور که اکنون حدود ۶۷۰ میلیون مترمکعب در روز است، با توجه به نیاز مصرفی کشور، موافقات و مذاکرات برای صادرات و همچنین پیش‌بینی‌ها برای تزریق به مخازن، باید در برنامه پنجم توسعه ظرفیت تولید گاز رشد ۱۰۰ درصدی داشته باشد و حداقل به رقم ۱ میلیارد و ۱۰ میلیون مترمکعب برسد، همچنین توان پالایش گاز کشور باید از ۵۴۰ به ۹۰۰ میلیون مترمکعب در روز افزایش یابد. هم‌اکنون سهم گاز در سبد انرژی کشور ۶۲ درصد است که در پایان برنامه پنجم توسعه باید به ۷۰ درصد برسد. در مجموع و برای دستیابی به اهداف صنعت نفت در برابر برنامه پنجم توسعه، رقم سرمایه‌گذاری مورد نیاز به حدود ۱۵۵ میلیارد دلار می‌شود؛ یعنی به طور متوسط سالی ۳۱ میلیارد دلار و از آنجا که منابع مالی داخلی و سایر شیوه‌های تجهیز سرمایه‌گذاری از منابع داخلی در ایران محدود است، بخش اعظم این سرمایه‌گذاری (حدود ۶۰ درصد یعنی ۱۸ میلیارد دلار در سال) باید از منابع مالی خارجی تامین شود. (حسینی، ۱۳۹۰، ۴۱).

این در حالی است که به دلیل اوضاع سیاسی و شرایط بین‌المللی حاکم در چهار سال اول برنامه ۵ ساله چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۷) از ۶۷ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صنعت، فقط ۱۹/۸ میلیارد دلار آن سرمایه‌گذاری خارجی بوده است که بر اساس برنامه باید ۷۰ درصد سرمایه‌گذاری‌ها در بخش توسعه میادین نفت و گاز از بخش سرمایه‌گذاری خارجی تامین می‌شد؛ در حالی که سالیانه بیش از ۱۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شد. باید بپذیریم تا زمانی که در حوزه نفت و گاز سرمایه‌گذاری مناسبی نشود، این صنعت با چالش‌هایی جدی مواجه خواهد شد.

تاریخچه برنامه‌ریزی ۶۵ ساله در ایران نشان می‌دهد که اگر اشتباه بد فرجام و فاجعه‌بار تجدیدنظر در برنامه پنجم عمرانی صورت نگرفته بود و شاه از خودکامگی اجتناب کرده و در کارهای کارشناسی دخالت نکرده بود و اجازه می‌داد تا فرایند برنامه‌ریزی توسعه ایران در ادامه روند تکاملی برنامه سوم تا برنامه ششم ادامه یابد، بدون شک ایران با وضع اقتصادی دیگری روبه‌رو می‌شد. روندی که می‌رفت تا رفته رفته مسیر تکامل به سوی برنامه‌ریزی توسعه پایدار و آمایش سرزمین را طی کند. اگرچه فرهنگ خودمداری و ناکارآمدی‌های بوروکراسی، هم‌چنان حاکم بود، ولی روند تکاملی شناخت تنگناها، ارائه راه‌حل‌ها و تنظیم برنامه‌های ملی، منطقه‌ای و استانی از برنامه سوم تا ششم، امیدوارکننده بود. به طوری که پایان برنامه‌ریزی میان مدت و بلندمدت توسعه و جایگزینی آن با برنامه‌ریزی ارشادی (نه قانونی و نه فرمایشی) و نظارت بر پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی دور از انتظار نبود. رفته رفته با رشد نهادهای مدنی، انجمن‌های صنفی و تقویت بخش خصوصی رقابتی، امید می‌رفت دولت کوچک‌تر شود و کشور بتواند صاحب اقتصاد سامان‌یافته تولیدی و تعامل منطقی با بازارهای جهان شود.

برنامه ششم توسعه در نفت و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری

ارتقای صنعت نفت به صنعتی سرآمد و روزآمد با تکیه بر توانمندی‌های داخلی و تعاملات بین‌المللی، افزایش تولید منابع هیدروکربوری برای ایجاد ثروت‌های مولد و پایدار با ملاحظات آمایش سرزمین، تامین امنیت عرضه داخلی گاز، فرآورده‌های نفتی و

محصولات پتروشیمی با ملاحظات اقتصادی و زیست محیطی و بهره‌گیری بهینه از ظرفیتهای منابع هیدروکربوری برای تبدیل ایران به بازیگری کلیدی در بازارهای جهانی انرژی اهداف مهم وزارت نفت در برنامه ششم توسعه است. در سیاستهای ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری ۹ بند به بخش نفت اختصاص پیدا کرده است که نشان از اهمیت بخش نفت هم در برنامه ششم و هم در اقتصاد و آینده کشور دارد. تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و دائمی شدن اساسنامه صندوق توسعه ملی با تنفیذ اساسنامه موجود و واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالانه به آن، تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی، حمایت از تأسیس شرکتهای غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه میادین نفت و گاز کشور بویژه میادین مشترک در چارچوب سیاستهای کلی اصل ۴۴، تحقق کامل هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقای شاخصهای عدالت اجتماعی، واگذاری طرحهای جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید در کلیه میادین نفت و تأسیسات صنعت نفت به مردم، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی)، دانش بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکتهای دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی، افزایش مستمر ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاههای نفت و گاز، اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوریهای پیشرفته در آنها ۹ بندی است که در سیاستهای ابلاغی به بخش نفت اختصاص داده شده است. (نجفی ۱۳۹۵، ۴).

جایگاه نفت در برنامه ششم توسعه

سیاست‌های برنامه ششم توسعه برای بخش انرژی کشور با سه محور اجرای اصل ۴۴ و افزایش مشارکت مردم در طرحها، تکمیل زنجیره ارزش افزوده در بخش‌های مختلف و در نهایت افزایش ضریب بازیافت طرحی شده است. به گزارش ایسنا، تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی در غالب یازدهمین سیاست، نخستین بند از سیاست برنامه ششم توسعه در حوزه انرژی به شمار می‌رود. زنجیره ارزش افزوده در بخش صنعت پتروشیمی یکی از نکاتی است که وزیر نفت نیز بر آن تأکید دارد و در قالب ششمین سیاست حوزه انرژی نیز به این امر اشاره شده است. به گفته زنگنه با ابلاغ این سیاست‌ها ارزش فروش محصولات پتروشیمی از ۱۸ میلیارد دلار به ۴۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹ خواهد رسید. از جمله اهداف تعیین شده برای رسیدن به این سیاست‌ها نیز افزایش ظرفیتهای جدید و استفاده بهینه از منابع و ظرفیتهای بخش انرژی برای حداکثر سازی ارزش افزوده در زنجیره تولید کشور و افزایش صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی و کسب منافع ارزی بیشتر است. برای رسیدن به این هدف سه راهبرد ایجاد حداکثر ارزش افزوده از منابع انرژی اولیه کشور، تبدیل و تولید حامل‌های انرژی با ارزش افزوده بالاتر و گسترش اکتشاف نفت و گاز به عنوان پشتوانه تولید نفت و گاز در نظر گرفته شده است. سیاست دیگری که برای تکمیل زنجیره ارزش افزوده در این برنامه به آن اشاره شده است، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) خواهد بود. کاهش شدت انرژی دیگر سیاست ابلاغی برنامه ششم توسعه در حوزه انرژی است، که به گفته وزیر نفت لازم است تا پایان برنامه ۱۶ درصد از شدت انرژی در کشور کاسته شود. (کریمی ۱۳۹۴، ۵۱).

راهبردهای رسیدن به این هدف در قالب اصلاح قیمت حمل‌های انرژی، توسعه تولید کالاهای با بازدهی بهینه و کاهش شدت انرژی، ترویج و گسترش فرهنگ صرفه‌جویی، مدیریت مصرف انرژی و کاهش شدت انرژی و حمایت از شرکت‌های خدماتی در حوزه نفت و گاز کشور اتفاق می‌افتد. حمایت از بخش خصوصی در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی دیگر موضوع سیاست‌ها برنامه ششم توسعه است، به این ترتیب سیاست دیگر حوزه انرژی کشور برای پنج ساله پیش رو شامل حمایت از تأسیس شرکتهای غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه میادین نفت و گاز کشور بویژه میادین مشترک

می‌شود. افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین و گسترش نیروگاه‌های پراکنده و کوچک مقیاس نیز سیاست سوم حوزه انرژی برای پنج ساله پیش رو خواهد بود. دیگر سیاست واگذاری در قالب برنامه پنجم توسعه واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل بهره‌برداری از گازهای همراه، تولید در کلیه میادین نفت و تاسیسات صنعت نفت به مردم است. (mardomsalari.com).

شرکت‌های دانش بیان نیز به عنوان هدف دیگری در زمینه استفاده از نیروی شرکت‌های داخلی، در این سیاست‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند به این ترتیب که لازم است تا پایان این برنامه دانش‌بنیان کردن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی، محقق شود. افزایش عدالت اجتماعی نیز از جمله سیاست‌های برنامه ششم توسعه خواهد بود که در غالب تحقق کامل هدفمندی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی در این برنامه به آن اشاره شده است. در نهایت تاکید زنگنه بر افزایش تولید نفت و لزوم توجه به میادین قدیمی کشور برای نجات آن‌ها از کاهش میزان تولید نکته دیگری است که در سیاست‌های حوزه انرژی در بخش نفت و گاز به آن اشاره شده است. طبق این سیاست تا پایان دوره پنج ساله برنامه ششم توسعه لازم است ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاه‌های نفت و گاز به صورت مستمر افزایش پیدا کند به طوری که در پایان این برنامه ضریب بازیافت میادین نفت کشور حداقل یک درصد افزایش بیابد. همچنین توسعه و بهره‌برداری از میادین غرب کارون و افزایش ظرفیت نفت خام کشور به ۷.۴ میلیون بشکه در روز از جمله دیگر اهداف دیده شده برای پنج ساله آینده کشور در حوزه انرژی است. میادین مشترک نفت و گاز از جمله میادینی است که در محوریت این برنامه قرار دارد به این ترتیب که لازم است تا پایان این برنامه تولید گاز از میدان مشترک پارس جنوبی به ۷۵۰ میلیون متر مکعب در روز افزایش پیدا کند. تولید میعانات گازی نیز طبق این برنامه لازم است که به یک میلیارد و ۱۲ میلیون بشکه در روز افزایش پیدا کند و صادرات گاز طبیعی کشور نیز به ۲۲۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. (ابهری ۱۳۹۴، ۱۶).

تحقق برنامه ششم توسعه شرکت ملی نفت ایران از الزام‌ها و بایدهای کشور است و لازم است همه نهادها برای تحقق این برنامه که شرط اصلی تحقق آن، تامین بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه مورد نیاز است، همکاری کنند. در این برنامه مقرر شده است، بخش عمده طرح‌های غرب کارون از جمله فاز نخست طرح توسعه آزادگان جنوبی، فازهای دوم طرح‌های توسعه آزادگان شمالی و یادآوران و... به بهره‌برداری برسند و طرح‌های توسعه‌ای پارس جنوبی حتی فاز ۱۱ این میدان گازی نیز تکمیل و همه میدانهای مشترک کشور تعیین تکلیف شوند. برنامه توسعه‌ای میدانهایی مانند سهراب، ارون و... نیز در این برنامه آغاز می‌شود و گاه تولید از برخی از این میدانها کلید می‌خورد. از سوی دیگر، جذب سرمایه برای توسعه میدانهایی مانند گلشن، فردوسی، پارس شمالی و بویژه میدانهای مشترک فرزاد A و B در برنامه ششم توسعه پیگیری می‌شود و احداث و راه‌اندازی همه واحدهای ان جی ال پیش بینی شده نیز در دستور کار این برنامه قرار دارد. (روزنامه وطن امروز ۱۳۹۴/۱۰/۲۴).

سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه در حوزه صنعت نفت

با توجه به جایگاه حیاتی صنعت نفت در کشور و به‌منظور استفاده از این ثروت برای بهبود شرایط زندگی آحاد مردم (با در نظر گرفتن منافع و مصالح نسل‌های آینده)، لازم است برنامه‌ریزی هوشمندانه صورت گیرد. در پنج برنامه قبلی توسعه و طی ۲۵ سال برنامه‌هایی برای این صنعت تدوین شده ولی تحت تاثیر شرایط یا به‌دلیل غیرواقع‌بینانه بودن اهداف و تناسب نداشتن آنها با ظرفیت‌های موجود یا عدم تامین ابزارهای لازم، بسیاری از این برنامه‌ها تحقق نیافته است. در آستانه تنظیم و تصویب برنامه ششم توسعه، دولتمردان و دست‌اندرکاران سعی دارند با استفاده از تجارب ربع قرن «برنامه‌ریزی در این حوزه، نسبت به این موضع حساس، رویکردی انقلابی اتخاذ کنند. اگرچه طبق قاعده کلی، قوانین و مقررات باید در چارچوب سیاست‌ها تنظیم شوند، اما با توجه به آشفتگی در زمینه تصویب قوانین و مقررات و هیجانی بودن بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها، بعضا قوانین و مقرراتی «غیر همسو با اهداف و سیاست‌های کلی نظام» به تصویب می‌رسند. به‌منظور تحقق اهداف و انتظارات از صنعت نفت، سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه در حوزه صنعت نفت را می‌توان در موارد زیر برشمرد:

الف) تدوین سیاست‌های کلی نظام به‌صورت شفاف، صریح و قاعده‌مند که تبیین‌کننده چارچوب‌های حرکت بخش‌های مختلف اقتصاد باشد.

ب) نظارت بر تصویب قوانین و مقررات منطبق با سیاست‌ها
 ج) مقابله با رویکردهای سلیقه‌ای مغایر سیاست‌های رسمی کشور توسط مسوولان و مجریان دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی (که در این حوزه خلأ شدیدی احساس می‌شود). (خبرگزاری ایرنا ۱۳۹۴/۱۲/۱۰).

جایگاه نفت در بندهای مختلف برنامه ششم توسعه

در بندهای متعددی از این سند توجه ویژه‌ای به صنعت نفت به‌عنوان موتور محرک اقتصاد و سایر صنایع شده است. - در بند ۲۸ بر صنعت نفت به‌عنوان اولویت اول صنایع راهبردی تاکید شده است. اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها مفاد بند مذکور هستند. در این سند دو گروه سیاست مرتبط با صنعت نفت پیش بینی شده است.

الف) سیاست‌های عمومی

برخی از بندها ناظر بر کل اقتصاد و صنعت بوده که باید در صنعت نفت نیز اعمال شود، از جمله بند ۲ به شرح زیر:

الف) بهبود مستمر فضای کسب‌وکار و تقویت ساختار رقابتی.

فضای غیررقابتی حاکم بر صنعت نفت، موجب سقوط شدید کیفیت کالاها و خدمات، کاهش بهره‌وری و افزایش هزینه‌های تولید در کشور شده است. بنابراین کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات باید در راستای «تقویت ساختار رقابتی» این صنعت باشد.

ب) سیاست‌های خاص

بندهای متعددی از این سند مشخصاً اقداماتی در صنعت نفت را هدف‌گذاری کرده که اجرای این سیاست‌ها می‌تواند تحول چشمگیری نه تنها در صنعت نفت بلکه در اقتصاد و صنعت کشور پدید آورد. بنابراین التزام به این سیاست‌ها توسط مسوولان و مجریان باید مورد تاکید قرار گیرد.

سیاست‌های محوری که در این سند صراحتاً ناظر بر بخش نفت و گاز و پتروشیمی تدوین شده، عبارتند از:

۱- تغییر رویکرد کلان

بند ۱۰- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تامین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و دائمی شدن اساسنامه صندوق توسعه ملی با تنفیذ اساسنامه موجود و واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالانه به آن. طبق بند ۱۰ این سند، نگاه سنتی چند دهه گذشته نسبت به منابع نفتی کشور به‌عنوان کارگاه چاپ اسکناس برای مصارف عمومی باید تغییر کند. اجرای این بند می‌تواند انقلابی در اقتصاد کشور ایجاد کند.

۲- افزایش مشارکت بخش خصوصی در صنعت نفت

بند ۱۲- حمایت از تاسیس شرکت‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیتهای اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه میادین نفت و گاز کشور به ویژه میادین مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴. اگرچه طی چند برنامه پنج ساله توسعه و قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، بر کاهش تصدی‌گری شرکت‌های تحت مدیریت دولت تاکید شده، اما کماکان این سیاست‌ها در حد انتظار تحقق نیافته است. بر این اساس دو بند ۱۲ و ۱۵ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه مجدداً بر این موضوع تاکید دارند. مضافاً اینکه لازمه تحقق سیاست «تقویت ساختار رقابتی» مندرج در بند ۲ این سند، حضور فعال بخش خصوصی در این صنعت است. این بند با توجه به عقب‌ماندگی کشور در حوزه اکتشاف، بهره‌برداری و توسعه خصوصاً در میادین مشترک، حضور شرکت‌های غیردولتی که قطعاً شامل شرکت‌های خارجی نیز می‌شود را تجویز کرده است.

بند ۱۵- واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید در کلیه میادین نفت و تاسیسات صنعت نفت به مردم. (خبرگزاری تابناک ۱۳۹۴/۸/۲۶).

خسارت‌های اقتصادی «نجومی» کشور ناشی از اتلاف گازهای همراه از یک طرف و خسارت‌های زیست محیطی از طرف دیگر، ضرورت اقدامی ضربتی در این بخش را ایجاب می‌کند. با توجه به عدم توانایی مجموعه دولتی برای کاهش این خسارات، استفاده

از توانمندی‌های بخش خصوصی در راستای منافع عمومی، اقدامی ضروری است ولی متأسفانه سال‌های متمادی به این موضوع کم توجهی شده است. از منظر فقهی و لزوم «رعایت غبطه نسبت به اموال عمومی و انفال» ایجاب می‌کند که در تصمیم‌سازی‌ها در حوزه منابع نفت و گاز نگرشی نو داشت.

۳- تکمیل زنجیره ارزش

بند ۱۱- تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی.

بند ۱۶- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی)

بندهای ۱۱ و ۱۶ این سند به تکمیل زنجیره ارزش در این صنعت به منظور تغییر ماهیت خام فروشی به تولید محصولات و فرآورده‌های نفتی و پتروشیمی با ارزش افزوده بالا تأکید مجدد دارد. لذا ضرورت دارد قبل از تصویب یک طرح، مطالعه دقیقی از بازار داشت.

۴- صنعت نفت دانش بنیان

بند ۱۷- دانش بنیان کردن صنایع بالادستی و پایین دستی نفت و گاز با تاسیس و تقویت شرکت‌های دانش بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی.

یکی از موضوعات کلیدی مورد توجه در این سند، صنعت دانش محور است. یکی از مشکلات پایه‌ای صنعت نفت، فاصله گرفتن پرشتاب با علوم و فنون روز دنیا و به تبع آن از دست دادن قابلیت رقابتی این صنعت ملی است. در تعریف قراردادهای جدید نفتی، لازم است از جنبه انتقال تکنولوژی و آموزش خصوصاً در زمینه «مدیریت پروژه» شرکت ملی نفت برنامه جامعی داشته باشد. در دوره اجرای قراردادهای خرید متقابل، اگرچه تعهدات زیادی برای شرکت نفتی خارجی در قراردادهای پیش‌بینی شده بود و این شرکت‌ها حتماً هزینه‌های این تعهدات را در قالب هزینه‌های پروژه از ایران بازستاندند، ولی آثار و دستاوردهای مورد انتظار در پایان هر طرح برای کشور حاصل نشد. لذا شرکت ملی نفت ایران باید ضمن اجرای مباحث فنی طرح‌ها، «نظام مدیریت دانش» را به اجرا بگذارد. (مهری ۱۳۹۴، ۷۱).

۵- افزایش ضریب بازیافت

۱۸- افزایش مستمر ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاه‌های نفت و گاز.

میلیاردها بشکه نفت در لایه‌های قدیمی انباشته داشته، که بازیافت آنها می‌تواند ثروت عظیمی برای کشور رقم بزند. یکی از راهبردهای مهمی که می‌بایست در صنعت نفت و گاز اجراء گردد، افزایش ضریب بازیافت و بهینه‌سازی روش‌های تولید است. متأسفانه در این زمینه صنعت نفت کشور دچار ضعف‌های شدیدی بوده و خسارات مالی هنگفتی به این ثروت ملی در روش‌های برداشت غیراصولی به نسل‌های فعلی و آینده تحمیل می‌شود. ضرورت دارد برای صیانت از این ذخایر، از طریق علمی و با جذب دانشمندان داخلی و خارجی و شرکت‌هایی متخصص (که لزوماً نیاز به سرمایه بالا نبوده)، شیوه‌های متناسب با ساختار مخازن نفت و گاز ایران بکار برد. توجه جدی به دو واژه EOR/ IOR می‌تواند نقش بزرگی در معادلات نفت و اقتصاد کشور ایفا کند. (ضیایی ۱۳۹۴، ۳).

بررسی نواقص لایحه برنامه ششم توسعه در حوزه نفت

سال ۹۴ آخرین سال اجرای قانون برنامه پنجم توسعه بود و قرار بود قانون برنامه ششم توسعه در این سال به تصویب برسد تا از ابتدای سال آینده اجرایی شود. با این وجود، با توجه به تأخیر دولت در ارائه لایحه برنامه ششم توسعه و نهایتاً ارایه «لایحه احکام مورد نیاز اجرای برنامه ششم توسعه» به جای این لایحه در ۲۷ دی ماه ۹۴، امکان تصویب برنامه ششم توسعه پارسال از سوی مجلس فراهم نشد. در نتیجه، زمان اجرای قانون برنامه پنجم توسعه یک سال دیگر تمدید شد و بررسی لایحه برنامه ششم توسعه به مجلس دهم موکول شد. ۴ مرداد امسال این لایحه با عنوان «لایحه برنامه ششم توسعه» و اضافه شدن ۴ ماده نسبت به لایحه قبلی تقدیم مجلس شورای اسلامی شد و به زودی روند بررسی این لایحه در کمیسیون‌های تخصصی مجلس آغاز می‌شود.

به صورت کلی، اولویت بندی مسائل بنیادین کشور و ارائه راهبردها، سیاستها و اقدامات اجرایی در برنامه‌های پنج ساله توسعه باید بر اساس سیاست‌های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری باشد، به عبارت دیگر، مقام سیاستگذار، چارچوبی برای برنامه ریزی معین می‌کند و دولت ملزم به ارائه برنامه در آن چارچوب است. نظر به سلسله مراتب هنجارهای حقوقی در نظام جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از قانون اساسی است، دولت و مجلس مکلفند در تهیه، رسیدگی و تصویب لایحه و یا قانون برنامه پنج ساله توسعه، مفاد سیاست‌های کلی نظام به خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله را (که بیانگر جهت گیری و اولویت‌های نظام در دوره پنج ساله برنامه است)، رعایت کنند. بر این اساس، دولت و مجلس موظفند در تهیه و تصویب لایحه یا قانون برنامه پنج ساله توسعه، احکام، بخش‌ها و اهداف مختلف آن را به نحوی ترتیب دهند که نحوه تحقق و اجرای سیاست‌های کلی نظام به خصوص سیاست‌های کلی برنامه پنج ساله به طور روشن و شفاف در لایحه یا قانون مشخص باشد. به صورت خاص، در برنامه ششم توسعه نیز انتظار می‌رود که «سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه» (ابلاغی مقام معظم رهبری در تیرماه ۹۴) و «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» (ابلاغی مقام معظم رهبری در بهمن ماه ۹۲) مبنای برنامه ریزی قرار گیرند (مهری ۱۳۹۴، ۷۷).

بدون تردید، یکی از مهم ترین حوزه‌های اقتصادی کشور، حوزه انرژی است. همین موضوع نیز سبب شده است تا این حوزه جایگاه شاخصی در قوانین بالادستی برنامه ششم توسعه داشته باشد به گونه‌ای که مواد ۱۱ تا ۱۸ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و مواد ۴، ۸ و ۱۳ تا ۱۵ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به حوزه انرژی اختصاص پیدا کرده است.

با این وجود، صرفاً دو ماده از مواد ۳۵ گانه لایحه برنامه ششم توسعه به حوزه انرژی ارتباط دارد. ماده ۱۲ این لایحه به شرح زیر است: «به منظور ارتقاء عدالت اجتماعی، افزایش بهره‌وری در مصرف آب و انرژی و هدفمند کردن یارانه‌ها در جهت افزایش تولید و توسعه نقش مردم در اقتصاد، به دولت اجازه داده می‌شود که قیمت آب و حامل‌های انرژی و سایر کالاها و خدمات یارانه‌ای را با رعایت ملاحظات اجتماعی و اقتصادی و حفظ مزیت نسبی و رقابتی برای صنایع و تولیدات، بتدریج تا پایان سال ۱۳۹۹ با توجه به مواد، قانون هدفمند کردن یارانه‌ها اصلاح و از منابع حاصل به صورت هدفمند برای افزایش تولید، اشتغال، حمایت از صادرات غیرنفتی، بهره‌وری، کاهش شدت انرژی، کاهش آلودگی هوا و ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی از خانوارهای نیازمند و تامین هزینه‌های جاری و سرمایه‌گذاری شرکت‌های ذی ربط در چارچوب بودجه‌های سالانه اقدام لازم را به عمل آورد». بند دوم ماده ۱۳ این لایحه نیز به این شرح است: «وزارت نیرو مکلف است به منظور حفاظت کمی و کیفی منابع آب و تعیین قیمت تمام شده آن... ضوابط اخذ جریمه مشترکان پرمصرف در ازای مصارف مازاد بر الگوی مصرف برای کاربری خانگی و غیرخانگی را ظرف مدت ۶ ماه پس از ابلاغ این قانون به تصویب شورای اقتصاد رسانده و اجرایی نماید». (خبرگزاری تسنیم ۱۳۹۵/۶/۱۰).

بر همین اساس می‌توان گفت در لایحه برنامه ششم توسعه صرفاً به موضوعات اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و کاهش شدت انرژی که مرتبط با بندهای ۱۱ و ۱۴ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و بندهای ۴ و ۸ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هستند، توجه شده است. به عبارت دیگر، بررسی‌های صورت گرفته و همچنین گزارش شماره ۱۴۷۲۱ مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی درباره لایحه برنامه ششم توسعه نشان می‌دهد که در این لایحه به سایر موضوعات مورد تاکید قوانین بالادستی حوزه انرژی مانند دوری از خام‌فروشی نفت و گاز و تکمیل زنجیره ارزش آن، افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین در سبد انرژی کشور، توسعه میادین نفتی و گاز کشور به ویژه میادین مشترک هیچ توجهی نشده که عجیب و سوال برانگیز است. علاوه بر این، متأسفانه موضوعات اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و کاهش شدت انرژی نیز در ماده ۱۲ و بند دوم ماده ۱۳ به صورت کلی و بدون اشاره به معیار یا شاخص خاصی مطرح شده‌اند و بر همین اساس پیش‌بینی می‌شود تصویب این مواد نیز کمک چندانی به فرآیند اجرایی شدن این موضوعات در طول اجرای برنامه ششم توسعه نکند. (<http://www.asianews.ir>).

نکته قابل توجه این است که در بخش انرژی سند تفصیلی برنامه ششم توسعه که توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی منتشر شده است و سند اصلی و پشتیبان این برنامه محسوب می‌شود، ۱۷ راهبرد در بخش نفت و گاز و ۱۳ راهبرد در بخش برق در نظر گرفته شده است ولی سیاست‌ها و اقدامات اساسی پیش‌بینی شده برای اجرای هر کدام از این راهبردها ارتباط چندانی با مواد مرتبط با بخش انرژی در لایحه برنامه ششم توسعه (ماده ۱۲ و بند دوم ماده ۱۳) ندارند که نشان‌دهنده این موضوع است که دولت

احساس می‌کند برای تحقق برنامه‌های خود در این بخش و تحقق اهداف کمی آن نیاز به دریافت مجوز قانونی خاصی از مجلس شورای اسلامی ندارد. علاوه بر این، حتی در لایحه برنامه ششم توسعه هیچ ردپایی از اکثریت اصلاحات نهادی و ساختاری مورد نیاز برای تحقق اهداف کمی این برنامه (مطابق با سند تفصیلی برنامه ششم توسعه) مانند تشکیل وزارت انرژی وجود ندارد که می‌تواند حاکی از این موضوع باشد که اصولاً ارتباط زیادی بین لایحه برنامه ششم توسعه و سند تفصیلی این برنامه وجود ندارد. مواد و بندهای لایحه برنامه ششم توسعه در حوزه انرژی، ارتباط ضعیف و ناکافی با موارد مدنظر سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در این حوزه دارد. در نتیجه، ضرورت دارد کمیسیون انرژی مجلس دهم با همکاری دولت درباره افزودن مواد لازم مرتبط به حوزه انرژی به لایحه برنامه ششم توسعه اقدام کند تا در تصویب این برنامه، اولویت‌های مورد تاکید سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در این حوزه به صورت واقعی مورد توجه قرار گیرد.

بخش نفت و گاز در اقتصاد ایران از چند بُعد دارای اهمیت است؛ از یک طرف بیش از ۹۰ درصد انرژی اولیه کشور را تامین می‌کند و از طرف دیگر ۷۰ تا ۸۰ درصد منابع ارزی کشور، حاصل صادرات نفت خام کشور است. به رغم چنین اهمیتی توسعه‌بخش، وابستگی بسیار زیادی به خارج از کشور داشته و برای تغییر این الگو لازم است برنامه‌ریزی جامعی صورت گیرد که انتظار بر این است در قالب برنامه‌های توسعه این جهت‌گیری چند بعدی مورد توجه قرار گیرد.

مراجعه به لایحه برنامه ششم توسعه نشان می‌دهد که بخش نفت و گاز به رغم وجود مشکلات متعدد ساختاری نظیر نبود تمرکز، کمبود منابع مالی، پایین بودن ضریب بازیافت، نامناسب بودن الگوی پالایش، عقب‌ماندگی در میادین مشترک، بدهی بسیار زیاد به سیستم بانکی کشور، عقب‌ماندگی از اهداف مندرج در سند چشم‌انداز بیست ساله و نداشتن سهم مناسب در بازار تجارت جهانی گاز مورد توجه قرار نگرفته است. (تهرانی زادگان ۱۳۹۵، ۲).

در پیوست لایحه، در قالب «برنامه‌های ملی، طرح‌ها و پروژه‌های اقتصاد مقاومتی» و «پروژه‌های اولویت‌دار اقتصاد مقاومتی سال ۱۳۹۵» نیز برای بخش‌های برق، نفت و گاز، برنامه‌ها و پروژه‌هایی در نظر گرفته شد که برای اجرای آنها هیچ حکم مشخصی در مواد لایحه وجود ندارد که احداث مجتمع‌های پالایشگاهی، پروژه احداث خط لوله صادرات گاز به عمان، عراق و پاکستان، پروژه‌های توسعه میادین مشترک، افزایش ضریب بازیافت و... از جمله آنها هستند.

مطالعاتی که از گذشته در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در خصوص بخش انرژی انجام شده است، نتایج زیر را در قالب راهبردها و سیاست‌های این بخش نشان می‌دهد:

- تغییرات ساختاری موردنیاز به منظور رسیدن به یکپارچگی در سیاست‌ها و اقدامات مربوط به حوزه انرژی
- تاسیس نهاد تنظیم مقررات در بخش انرژی با توجه به ماهیت انحصار طبیعی در بخش مذکور
- استفاده از بخش انرژی به عنوان بخشی که متضمن امنیت پایدار در کشور باشد، از طریق تبدیل شدن ایران به قطب (هاب) انرژی براساس مبادله برق، نفت و گاز
- تهیه سند ملی راهبردی و برنامه اجرایی بلندمدت (طرح جامع) انرژی کشور
- اصلاح رابطه مالی بین دولت و شرکت ملی نفت ایران
- ایجاد ظرفیت نیروگاهی در کشور به تناسب متوسط رشد مصرف برق
- کاهش تلفات و افزایش راندمان بخش‌های مختلف انرژی به ویژه شبکه برق و نیروگاه‌های کشور
- فروش انرژی براساس ارزش حرارتی و کیفیت استاندارد به نیروگاه‌های حرارتی
- پرداخت بدهی وزارت نیرو به بخش خصوصی فعال در صنعت برق کشور
- اصلاح قانون هدفمند کردن یارانه‌ها
- افزایش ضریب بازیافت
- استفاده از صنعت نفت به عنوان بخش پیشران در اقتصاد کشور
- اصلاح الگوی پالایش در پالایشگاه‌های موجود کشور
- اجرای دقیق قانون اصلاح الگوی مصرف انرژی. (تهرانی زادگان ۱۳۹۵، ۳).

نفت و صنایع وابسته یکی از مهمترین موضوعهای مورد توجه دولتمردان است به گونه‌ای که با استناد به برنامه‌های پنج ساله توسعه، جایگاهی ویژه در سند چشم انداز کشور دارد. تامین انرژی مورد نیاز از یک سو و نقش تاثیرگذار درآمدهای نفتی در ایجاد و گسترش زیر ساختهای مورد نیاز توسعه از سویی دیگر ملاحظه به مقوله نفت و گاز را دو چندان کرده است. درآمدهای سرشار نفتی و رویکرد دولت در خصوص خرج کرد این سرمایه عظیم همیشه از اصلی ترین چالش‌های دولت و کارشناسان اقتصادی به حساب می‌آمده است. کارشناسان تاکید می‌کنند همانقدر که درآمدهای نفتی می‌تواند موجب ارتقای اقتصاد کشور باشد به همان میزان هم می‌تواند زمینه زمین گیر شدن اقتصاد کشور را فراهم کند. حرکت اقتصاد کشور به سوی هر کدام از این دو سو تا حدود بسیاری به رویکرد و عملکرد دولت مربوط است. دولت می‌تواند این درآمدها را سرمایه گذاری کند و هر روز بر میزان آن بیافزاید. از سوی دیگر احتمال دارد که دولت بخش عمده درآمدهای نفتی را خرج هزینه‌های جاری کند و به بازگشت این درآمدها توجه نداشته باشد. عدم توجه به سرمایه گذاری مناسب درآمد نفتی رویکردی است که کارشناسان معتقدند دولت نهم و دهم در آن ید طولایی داشته است.

پیش نیاز و روح حاکم بر برنامه‌های توسعه کشور، سیاست‌های کلی ابلاغی توسط مقام معظم رهبری و همسویی با سند چشم انداز ایران در افق ۱۴۰۴ است. خوشبختانه سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه مشتمل بر ۸۰ بند و شامل سرفصل‌های امور اقتصادی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، اجتماعی، دفاعی و امنیتی، سیاست خارجی، حقوقی و قضایی، فرهنگی و علم، فناوری و نوآوری به دولت ابلاغ شده است. این سیاست‌ها بر پایه محورهای سه‌گانه «اقتصاد مقاومتی»، «پیشسازی در عرصه علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» و با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در صحنه‌های داخلی و خارجی تنظیم شده است تا به ارائه الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه پیشرفت که به کلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است بپردازد. برنامه ششم توسعه نیز همانند برنامه چهارم باید برنامه‌ای دانش بنیان باشد زیرا در سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم در اکثر بندها به این مقوله توجه شده است.

برای نمونه می‌توان به «دانش بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی»، «دانش‌بنیان نمودن شیوه تولید و محصولات صنعتی و خدمات وابسته به آن، نشان‌سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان»، «توسعه تجارت و صادرات محصولات دانش‌بنیان»، «توسعه و ساماندهی نظام ملی نوآوری و حمایت از پژوهش‌های مسأله‌محور و تجاری‌سازی پژوهش و نوآوری، و توسعه نظام جامع تأمین مالی در جهت پاسخ به نیاز اقتصاد دانش‌بنیان»، «توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی، نظریه‌پردازی و نوآوری در چارچوب سیاست‌های کلی علم و فناوری و نقشه جامع علمی کشور»، «ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد»، «اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آنها» اشاره کرد.

بر این اساس سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز اهمیت بسیار دارد زیرا رشد و توسعه این بخش تاثیری شگرف در فرآیند توسعه کشور و دیگر بخشهای اقتصادی خواهد داشت.

به همین جهت بالاترین حجم سرمایه گذاری بخشهای مختلف صنعت نفت در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور تا افق ۱۴۰۴ بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار برآورده و سهم این صنعت در برنامه پنجم توسعه از این میزان سرمایه گذاری معادل ۱۵۰ میلیارد دلار پیش بینی شده است.

از آنجایی که برنامه پنجم توسعه تا زمان تصویب برنامه ششم و ابلاغ به دولت مود استفاده قرار خواهد گرفت، گزارش نگاهی به مفاد قوانین برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی در بخش نفت و وضع این صنعت را در مفاد قوانین برنامه پنجم بررسی کرده و ضمن مقایسه با برنامه چهارم، نقاط قوت و ضعف، فرصتها و تهدیدهای مطرح در بخش نفت و گاز را نیز مطرح می‌کند. کارشناسان اقتصادی هشدار می‌دهند که فشارها و محدودیت‌های بین‌المللی آشکار و پنهان بر اقتصاد ایران تداوم داشته باشد؛ زیرا از یک‌سو با تحریم‌های پنهان، جایگاه طبیعی اقتصاد ایران در تقسیم کار بین‌المللی به رسمیت شناخته نمی‌شود و از سوی دیگر امکان برقراری تحریم‌های جدید - به هر بهانه تازه - با هدف منزوی ساختن و مانع‌تراشی برای پیشرفت کشور محتمل است.

این کارشناسان معتقدند شیرینی اثر تحریم زیر زبان تحریم‌کنندگان مزه کرده است و علت بارز آن استفاده از همان الگوی تحریم ایران برای تحریم روسیه در ماجرای بحران اوکراین است. از این رو در مسیر پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، هیچ بعید نیست که تحریم‌های جدید و حتی شدیدتر از آنچه اکنون وجود دارد، وضع شود و این موضوعی است که رهبر معظم انقلاب بارها به آن اشاره کرده‌اند. اینچنین است که تنها راه پایدار مقابله با تحریم‌ها در لایحه ششم توسعه، گذر از اقتصاد نفتی موجود به سوی اقتصادی با ارزش افزوده بالاست که اگر هم تحریم یا تغییری در شرایط انرژی جهان بوقوع پیوست، اقتصاد ایران با تکیه بر منابع درون‌زای خود به حیات ادامه دهد.

پیشنهادات

برنامه ششم در حوزه نفت باید بر مبنای سیاست‌های دانش‌بنیانی تدوین شود، البته رویکرد اقتصاد دانش‌بنیان در برنامه‌های کشور متضمن رعایت پیشنیازها و اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای کارآمد و تمهید برنامه‌های اجرایی منسجم است که در اینجا برخی از مهم‌ترین موارد آن برای لحاظ در برنامه ششم توسعه پیشنهاد می‌شود:

۱- اقتصاد دانش‌بنیان نیازمند سهم بالایی از فکر و اندیشه انسانی است. لازمه آموزش و تربیت نیروی انسانی توانمند و با مهارت، وجود نظام آموزشی مؤثر و کارآمدی است که در تمامی سطوح تحصیلی و سنی همواره دانش نیروی انسانی را ارتقا دهد. بنابراین گسترش کمی و کیفی ساختار آموزشی در صنعت نفت، ترویج روحیه پژوهش و نوآوری در تمام عرصه‌های نفتی در راستای تحقق راهبرد اقتصاد دانش‌بنیان نیازمند اهتمام جدی می‌باشد.

۲- وجود نظام نوآوری در حوزه نفت موجب ارتقای بنیان علمی و افزایش توان نوآوری مراکز پژوهشی و دانشگاهی می‌شود و از سوی دیگر با پاسخ به نیازهای علمی و فنی بخش‌های مولد اقتصادی، پیشرفت بخش‌های مذکور را در پی دارد.

۳- برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان علاوه بر تولید و توزیع دانش و پرداختن به آموزش و پژوهش باید به موضوع مهم کاربردی کردن دانش و استفاده موثرتر از آن در گسترش ظرفیت‌ها و ارتقای درجه بهره‌برداری از منابع توجه کرد که تحقق یک اقتصاد دانش‌بنیان را ممکن ساخته و نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در این زمینه قابل تعریف خواهد بود. بنابراین ایجاد ارتباط مؤثر بین بخش‌های مولد اقتصاد از جمله صنعت نفت با مراکز دانشگاهی و پژوهشی به عنوان پیشران شرکت‌های دانش‌بنیان با توجه به اقتضات اقتصادی و فرهنگی کشور نیازمند برنامه‌ریزی و توجه ویژه‌ای است.

۴- گسترش و تخصصی شدن کارها موجب افزایش بازدهی به مقیاس و بهره‌وری، و به تبع آن رشد اقتصادی فناوری و افزایش نیاز انسان‌ها به یکدیگر شده است. از این رو سرمایه‌گذاری و بسترسازی در حوزه نفت موجب تسریع در برقراری ارتباطات و تبادل اطلاعات می‌شود، لذا اقتصادهای ارتباطات و اطلاعات دانش‌بنیان اهتمام ویژه‌ای به منظور ایجاد و گسترش کمی و کیفی زیرساخت‌های فناوری ارتباطات و اطلاعات دارند.

۵- مهار استفاده از گاز شعله‌هایی که در مناطق نفت خیز که به صورت شبانه روز سوخته می‌شود و استفاده بهینه از آن سوختها به عنوان خوراک پتروشیمی‌ها و کارخانه‌های صنعتی

۶- ایجاد، ساخت و افزایش تعداد پالایشگاه و پتروشیمی‌ها

۷- بهره‌برداری بیشتر از میادین نفت و گاز مشترک

۸- افزایش و ارتقا ظرفیت پالایش مواد پالایشگاهها و پتروشیمی‌ها با توسعه و گسترش فازهای جدیدتر

نتیجه آنکه دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان بدون رعایت الزامات و بسترهای آن دست نیافتنی است و در همین راستا پیشنهاد می‌شود دلایل و موانع عدم تحقق اهداف برنامه‌های پیشین بررسی و تبیین شود، به عنوان مثال در طول چند برنامه گذشته رسیدن به رشد اقتصادی ۸ درصدی جزء برنامه بوده است اما محقق نشده است، چراکه ابزارهای وصول به این هدف و ظرفیت‌هایی که باید ایجاد شود هیچ‌گاه مورد توجه جدی واقع نشده است.

منابع و مراجع

- [۱] آبراهامیان، پرواند، (۱۳۸۳)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نو.
- [۲] احمدی، علیرضا، (۱۳۸۹)، «مجموعه مقالات جامعه مدنی در انقلاب اسلامی»، بررسی موانع توسعه جامعه مدنی در ایران، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- [۳] باربر، جولیان. ۱۳۶۳. اقتصاد ایران از ۱۲۷۹ تا ۱۳۴۹، تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی.
- [۴] دهشیار، حسین. ۱۳۸۰. تحولات سیاسی ایران سالهای ۱۳۵۸-۱۳۴۲. تهران: نشر روزنه.
- [۵] زمان زاده، حمید و صادق الحسینی (۱۳۹۱)، «اقتصاد ایران در تنگنای توسعه»، تهران، نشر مرکز.
- [۶] شکاری، عبدالقیوم (۱۳۷۹)، «نظریه‌ی دولت تحویلدار و انقلاب اسلامی»، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- [۷] شیخ زاده، حسین (۱۳۹۱)، «نفت ایران؛ عامل یا مانع توسعه»، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- [۸] صدیقی، میرابراهیم و نصرت الله حیدری (۱۳۸۶) مسائل سیاسی - اقتصادی نفت ایران. ایلام: نشر رامان.
- [۹] قنبری، علی (۱۳۹۰)، «اقتصادهای نفتی»، تهران، نشر چالش
- [۱۰] کاتوزیان، محمدعلی (همایون). ۱۳۶۶. اقتصاد سیاسی ایران، ج ۱، ترجمه محمد رضا نفیسی، تهران: پایپروس.
- [۱۱] میرترابی، سعید (۱۳۸۴)، «مسائل نفت ایران»، تهران، نشر قومس.
- [۱۲] میرترابی، سعید (۱۳۹۱)، «درآمدی بر اقتصاد سیاسی نفت و مسائل نفت ایران»، تهران، نشر قومس
- [۱۳] همایون کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۷۸)، نه مقاله در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، نفت و توسعه اقتصادی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر مرکز.
- [۱۴] هالیدی، فرد. ۱۳۵۸. دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل‌الله نیک‌آیین، تهران: امیرکبیر.
- [۱۵] ابهری، مهدی. ۱۳۹۴. نقش نفت در برنامه ششم توسعه. ماهنامه شمیم. شماره ۵۴.
- [۱۶] پناهی، محمد حسین و اشرف امینی (۱۳۹۰)، «دولت رانتی، اقتصاد دولتی، فرهنگ سیاسی و...»، فصلنامه‌ی تحقیقات سیاسی و بین‌الملل، شماره ۷.
- [۱۷] حاجی یوسفی، امیرمحمد. ۱۳۹۱. دولت رانتیر و توسعه اقتصادی در ایران. ماهنامه کاوش. شماره ۲۶.
- [۱۸] حسینی، محمد صادق (۱۳۸۶)، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه‌ی حضر آیت الله خامنه‌ای»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۲
- [۱۹] حسینی، حسین. ۱۳۹۰. جایگاه نفت در برنامه‌های توسعه. ماهنامه کاوش. شماره ۲۱.
- [۲۰] حیدرزاده هنزائی، علیرضا (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی؛ بایدها و نبایدها، بازار سرمایه، شماره ۳۰، شهریور.
- [۲۱] خضری، محمد (۱۳۸۷)، «اقتصاد سیاسی رانت جویی در بودجه ریزی دولت ایران»، پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۴، پاییز.
- [۲۲] زرگر، علی (۱۳۸۸)، «اقتصاد سیاسی نفت»، سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۸.
- [۲۳] شکوری، ابوالفضل (۱۳۸۹)، اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد بدون نفت، بازار سرمایه، شماره ۳۳، آذر.
- [۲۴] عظیمی، محسن (۱۳۸۸)، «بررسی مکانیسم‌های اثر گذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت از دیدگاه بلای منابع»، فصلنامه‌ی مطالعات اقتصاد انرژی، سال پنجم، شماره ۱۶.
- [۲۵] طاهری، ابوالقاسم و علیرضا صفری امان. ۱۳۹۱. «رانت جویی سیاسی و پیامدهای آن»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سوم، ش ۳.
- [۲۶] طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، رانت، دولت رانتیر و پیامدهای آن، فصلنامه‌ی مطالعات بین‌الملل آی اس جی، سال، شماره ۴.
- [۲۷] کریمی، رسول. ۱۳۹۵. نفت در افق ۱۴۰۴. ماهنامه وزارت نفت. شماره ۱۴.
- [۲۸] مناجاتی، مهدی (۱۳۸۸)، الزامات موفقیت در اقتصاد مقاومتی، دیدگاه، شماره‌های ۳۵ و ۳۴، اسفند ۹۱ و فروردین ۹۲.
- [۲۹] موثقی، احمد و دلارام غنیمی فرد (۱۳۹۱)، «نفت و دموکراسی: مورد کشورهای صادرکننده نفت»، فصلنامه‌ی سیاست، دوره‌ی ۴۲، شماره ۲، تابستان.
- [۳۰] موسوی، بهروز (۱۳۸۴)، اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد بدون نفت، بازار سرمایه، شماره ۳۳، آذرماه.
- [۳۱] مهدوی، امیر (۱۳۸۰)، تمایزهای اقتصاد مقاومتی و مقاومت اقتصادی، بازار سرمایه، شماره ۳۳، ۲۸.
- [۳۲] مهری، صادق. ۱۳۹۴. جایگاه انرژی در برنامه ششم توسعه. ماهنامه ایران اقتصادی. شماره ۵۴.

- [۳۳] نجفی، فرازاد. ۱۳۹۵. نفت و برنامه ششم توسعه. ماهنامه رضوان. شماره ۲۱.
- [۳۴] نصری، منوچهر(۱۳۸۳)، «ضرورت دقت در سیاست‌های نفتی»، بازرگانی و تجارت، شماره ۳۳.
- [۳۵] ولی پور زرومی، سید حسن (۱۳۸۳)، «اقتصاد مقاومتی؛ راهکاری برای توسعه»، مشکوه، شماره ۱۱۸.